

تحليل شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی بر اساس نظریه سلسله مراتب نیازهای انسان آبراهام مزلو

نوع مقاله: پژوهشی

حبیب کشاورز

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

چکیده

نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو یکی از نظریه‌های مشهور انسان‌شناسی است. در این نظریه نیازهای انسان به ترتیب به پنج دسته نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت، نیازهای عاطفی و احساسی، نیاز به احترام و نیاز خودشکوفایی تقسیم می‌شود. براساس این نظریه، ابتدا باید نیازهای قاعده هرم برطرف شود تا نیازهای رأس هرم ظهور یابد؛ یعنی انسان باید در ابتدا نیازهای فیزیولوژیک را برطرف کند تا به نیازهای ایمنی، احترام و عشق و مرحله خودشکوفایی برسد؛ بنابراین رسیدن به هر مرحله مشروط به برطرف شدن نیازهای مرحله قبل است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی اثر محمد شکری بر اساس هرم نیازهای مزلو بررسی می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در این داستان، ابتدا غلبه با نیازهای فیزیولوژیک از جمله خوارک، پوشاک و مسکن است و نیاز به امنیت نیز بخشی از نیازهای شخصیت اصلی داستان را تشکیل می‌دهد. نیازهای اولیه این شخصیت در داستان فرصت تأمین نمی‌یابند تا حدی که هیچ اثری از نیاز به احترام یا خودشکوفایی که در مراحل بعدی هرم قرار می‌گیرد، وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: مزلو، هرم نیازها، شخصیت اصلی، محمد شکری، رمان الخبز الحافی.

١. مقدمه

داستان‌های واقع‌گرایانه از جمله داستان "الخبز الحافی" اثر محمد شکری تصویری حقیقی از جامعه، اخلاق و رسوم مردم را نشان می‌دهند. با بررسی این گونه رمان‌ها می‌توان جامعه و مشکلات آن را بهتر شناخت. شخصیت اصلی رمان "الخبز الحافی" که سرگذشت نویسنده را نیز حکایت می‌کند، می‌تواند به ما در شناخت خصوصیات جامعه کمک کند. برای شناخت یک شخصیت در رمان نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. آبراهام مزلو، انسان‌شناس معاصر نظریه‌ای برای شناخت نیازهای انسان ارائه داده است که به هرم سلسله مراتب نیازها مشهور شده است. این نظریه یکی از نظریه‌هایی است که می‌تواند در شناخت ویژگی‌های شخصیتی در رمان‌ها، مورد استفاده قرار گیرد.

١-١. تعریف موضوع

آبراهام مزلو بر این باور است که آدمی در فطرت خود موجودی بی‌گناه و عاری از خطاست و ماهیت انسان بودن همواره او را به سوی رشد و تکامل شخصی، خلاقیت، خودکفایی، سیر صعودی و کمال رهنمون می‌سازد، مگر اینکه شرایط و موانع طبیعی پر قدرتی مانع او شوند (ستاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴). هدف هر انسان در زندگی رسیدن به کمال و خوشبختی است. از نظر مزلو انسان زمانی به خوشبختی و کمال نزدیک می‌شود که نیازهای اولیه او از جمله نیازهای فیزیولوژیک، امنیت و ... برطرف شود. در این پژوهش سعی بر آن است تا شخصیت اصلی رمان «الخبز الحافی» بر اساس نظریه مزلو و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

١-٢. ضرورت، اهمیت و هدف

شخصیت به ویژه در رمان‌های واقع‌گرا نمایانگر افرادی است که در یک دوره خاص در یک جامعه زندگی می‌کنند. مطالعه و شناخت این شخصیت‌ها کمک زیادی به شناخت جامعه و مشکلات آن می‌کند و چه بسا بتوان با برنامه‌ریزی و آموزش از مشکلاتی که یک جامعه را تهدید می‌کند، جلوگیری کرد. در رمان "الخبز الحافی"، فقر مردم یکی از علل عمده چالش‌های موجود است و اگر بتوان جامعه را از نظر مالی ترقی داد یا حداقل از خانواده‌های کم‌برخوردار حمایت کرد، می‌توان بسیاری از این مشکلات را از بین برد.

۳-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

این مقاله به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است.

شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی در تأمین کدام نیازهای خود با مشکل مواجه بود است؟ عدم تأمین این نیازها چه تأثیری بر شخصیت و روند داستان داشته است؟ فرض این پژوهش بر این است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فقر، مهم‌ترین دغدغه شخصیت اصلی داستان برطرف کردن نیازهای فیزیولوژیک از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و نیاز جنسی است. همچنین این شخصیت در تأمین نیاز به امنیت نیز توفیقی ندارد و از آنجا که تأمین نیازها بر اساس سلسله مراتب است، نیازهای دیگر در این شخصیت نمود پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر عدم تأمین نیازهای اولیه شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی باعث می‌شود که این شخصیت به سمت بزهکاری پیش برود و به ویژه انحرافات جنسی زیادی را تجربه کند و هیچ اعتقادی به عشق و احترام نداشته باشد.

۴-۱. پیشینه پژوهش

نظریه مزلو یکی از مشهورترین نظریه‌های انسان‌شناسانه است و تا کنون پژوهش‌هایی بر پایه این نظریه انجام شده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

درة السنا (۲۰۱۵) در پایان نامه خود با عنوان «الشخص الرئيسی فی رواية الرجل الذی أمن لنجیب کیلانی دراسة سيكولوجية إنسانية لأبراهم ماسلو» به بررسی رمان نجیب کیلانی بر اساس این نظریه پرداخته است و نتایج نشان می‌دهد که شخصیت اصلی در این رمان، نیازهای اولیه را تأمین کرده و به خودشکوفایی رسیده است.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه مزلو از نظریه انسان‌شناسانه مزلو برای بررسی شخصیت بهرام استفاده کرده‌اند و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این شخصیت تا حدودی به مرحله خودشکوفایی مد نظر مزلو رسیده است.

همچنین تا کنون پژوهش‌هایی در زمینه رمان «الخبز الحافی» از نظر مضمون انجام شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

جفاله (۲۰۱۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «الشخصية فی روایتی الخبز الحافی و الشطار محمد شکری دراسة سيميائية» به بررسی شخصیت در دو رمان از محمد شکری از جنبه

های مختلف پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقر و گرسنگی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این رمان است.

طارمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «المقارنة بين المضمون والبنية في الروايتين الخبز الحافي وهمسايه‌ها» به بررسی و مقایسه محتوای دو رمان عربی الخبز الحافي و رمان فارسی همسایه‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر تشابه در محتوا و مضمون، تشابه زیادی بین شخصیت اصلی دو رمان وجود دارد.

با بررسی پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است چنین می‌نماید که رمان "الخبز الحافي" اثر محمد شکری تا کنون بر اساس این نظریه بررسی نشده است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

می‌توان گفت «نیازهای هر انسانی رفتار و گفتار او را شکل و جهت می‌دهد و اینگونه است که رویدادهای جهان هستی شکل می‌گیرد. در جهان داستان‌ها نیز نیازها کشمکش‌های داستانی را به وجود می‌آورند، تا اینکه سرانجام با برطرف شدن نیاز یا کنار آمدن شخصیت با کمبود خود، گره‌گشایی شده و تعادل اولیه برقرار می‌گردد» (رضایی، ۱۳۹۳: ۳۷). شناخت کافی و کامل نیازهای انسان کمک می‌کند تا درک مناسبی از ماهیت انسان به دست آید. بر همین اساس مزلو سعی کرد نیازهای انسان را در قالب یک هرم ارائه کند.

آبراهام مزلو (Abraham Maslow) بنیان‌گذار و رهبر معنوی جنبش روانشناسی انسان‌گرا نامیده شده است. نظریه هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو یکی از معروفترین نظریه‌های است که می‌توان در تحلیل روان‌شناسانه رمان به کار گرفت. مزلو یکی از روان‌شناسانی است که شخصیت انسان را بر اساس نیازهایش تحلیل می‌کند. به اعتقاد وی انسان نیازهایی دارد و این نیازها را بر حسب میزان اهمیت‌شان در تأمین بقای بیشتر در یک هرم به صورت سلسله مراتبی قرار می‌دهد.

در نظریه مزلو، نیازها بر اساس اهمیت به ترتیب زیر قرار می‌گیرند:

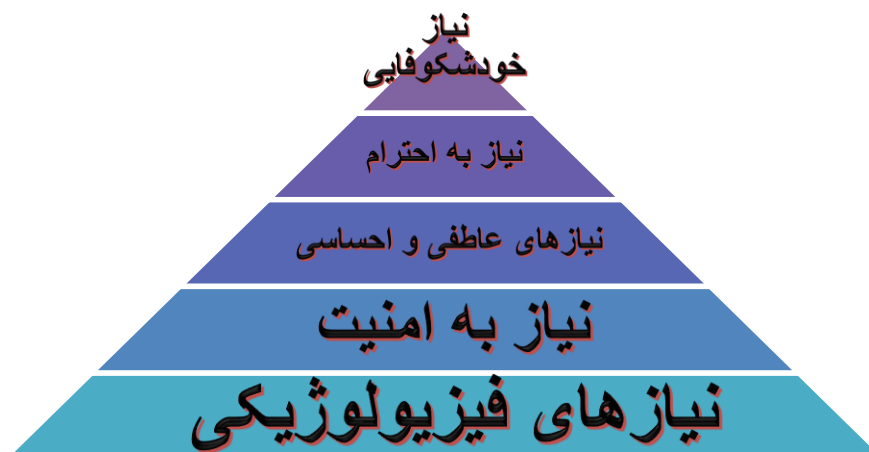
۱- نیازهای فیزیولوژیکی که موارد ذیل را در بر می‌گیرد: نیاز به آب، غذا، خواب و رابطه جنسی. این نیازها نیازهای جسمانی نامیده می‌شود.

۲- نیاز به امنیت که مواردی از جمله ثبات، نظم، رهایی از ترس و اضطراب را در بر می‌گیرد.

۳-نیازهای عاطفی و احساسی که به واسطه روابط عاطفی افراد دیگر و حس تعلق داشتن برآورده می‌شود.

۴-نیاز به احترام که عزت نفس و احترام از سوی دیگران را شامل می‌شود.

۵-نیاز خودشکوفایی که مواردی از جمله تحقق توانایی‌های بالقوه و قابلیت‌های شخص که نیازمند دانش واقع بینانه نسبت به نقاط ضعف و قوت خود می‌باشد (شولتز، ۱۳۸۷: ۳۸۷).



تصویر شماره ۱: هرم سلسله‌مراتب نیازهای مزلو

نیازهای فیزیولوژیکی (Physiological Needs)

نیازهای فیزیولوژیکی که در مرحله اول هرم سلسله‌مراتب نیازهای مزلو قرار می‌گیرد، شامل مهم‌ترین نیازهای موجودات زنده، مانند: نیاز به غذا، آب، اکسیژن، حفظ دمای بدن، خواب، نیازهای جنسی و ... است. «این نیازها بر نیازهای دیگر غلبه دارد و ارضای آنها به مراتب ضروری‌تر از نیازهای سطوح بالاتر است. بدون تردید غلبه این نیازهای فیزیولوژیک از همه نیازها بیشتر است. شخصی که غذا، ایمنی، محبت و احترام را ندارد مطمئناً نسبت به غذا شوق بیشتری دارد» (مزلو، ۱۳۶۷: ۷۰).

نیازهای ایمنی (Safety Needs)

دومین مرحله از مراحل هرم نیازهای مزلو به نیازهای ایمنی اختصاص دارد. مزلو نیازهایی چون امنیت، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، نظم، قانون را در این مجموعه قرار می‌دهد. «نیازهای ایمنی در کودکان بیش از بزرگسالان وجود

دارند؛ برای مثال زمانی که یک نوزاد به طور ناگهانی بیفتد، شیون می‌کند، یا از این که شخص غریبه‌ای وارد اتاق شود می‌ترسد» (برکات، ۱۳۹۱: ۷۶).

نیازهای اجتماعی (عشق و محبت و ...) (Love Needs)

نیاز به عشق و محبت یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود که در مرحله سوم هرم مزلو قرار دارد. این نیازها در کسانی برانگیخته می‌شود که از نظر فیزیولوژیکی و ایمنی ارضا یا حداقل اقناع شده باشند. «عدم تأمین نیازهای مربوط به عشق، منجر به ناسازگاری رفتاری و آسیب‌های روانی می‌شود و از جمله اصلی‌ترین علل مشکلات رفتاری در جامعه محسوب می‌شوند» (همان: ۷۷). گاهی مفهوم عشق که در مرحله سوم هرم قرار دارد با میل جنسی که در اولین مرحله قرار دارد در هم ادغام می‌شود و تعیین مرز دقیق میان آن‌ها دشوار می‌گردد. عشق از نظر مازلو به معنای میل جنسی نیست، میل جنسی را می‌توان صرفاً به معنای یک نیاز فیزیولوژیک بررسی کرد (مزلو، ۱۳۳۷: ۸۱).

نیاز به احترام (Esteem Needs)

در مرحله چهارم هرم نیازهای مزلو نیاز به احترام وجود دارد که در دو سطح نیاز به احترام و تأیید از جانب دیگران و خود مطرح می‌شود. این نیازها به نیازهای زیر تقسیم می‌شود: تمایل به قدرت، سیادت، شایستگی، موفقیت، مقام، کفایت، اعتماد در رویارویی با جهان و استقلال، شهرت و افتخار، برتری، معروفیت، توجه، اهمیت، حرمت یا تحسین. این نیازها در فردی که نیازهای زیستی، ایمنی و عاطفی‌اش تأمین شده باشد، به شکل طبیعی برانگیخته می‌شوند (مزلو، ۱۳۳۷: ۸۲).

نیازهای خودشکوفایی (Self-actualization Needs)

در بالاترین بخش هرم نیازهای مزلو، نیازهای خودشکوفایی یا فرانیازها قرار دارد. زمانی که نیازهای سطوح زیرین برآورده شدند، این دسته از نیازها در انسان برانگیخته می‌شوند. هر چند ممکن است در همان ابتدا و قبل از برآورده شدن کامل نیازهای قبل، این نیازها در فردی ظهور یابد و این ویژگی در افراد گوناگون متفاوت است. «افراد خودشکوفاً همه نیازهای کمبود و محرومیت که در چهار سطح نخست سلسله مراتب نیازها قرار دارد را تأمین کرده‌اند. رفتار افراد خودشکوفاً به عنوان نتیجه، به وسیله نیازهایی برانگیخته می‌شوند که مزلو آن را نیازهای انگیزش والا می‌نامد» (برکات، ۹۱: ۷۹).

چهار طبقه اول هرم، نیازهای پایه یا نیازهای فکدائی نامیده می‌شوند و در صورت تأمین آن‌ها، فرد احساس خاصی ندارد، اما در صورتی که تأمین نشوند، انسان دچار اضطراب و نگرانی می‌شود. نیاز به خودیابی و خودشکوفایی نیز «نیازهای رشد دهنده» یا نیازهای متعالی به شمار می‌روند (مروتی و یعقوبی، ۱۳۸۹: ۸۰). مزلو این نیازها را برای انسان کاملاً ضروری می‌داند و می‌گوید: هیچ کس در مورد این که ما به یُد یا ویتامین ث نیازمندیم تردیدی ندارد، باید بگویم که نیاز به محبت و سایر نیازهای اساسی نیز به همین صورت است (مزلو، ۱۳۷۱: ۴۰).

بر اساس نظریه مزلو انسان ابتدا در مرحله اول هرم قرار دارد و پس از ارضای نسبی نیازهای سطح اول، به صورت خودکار به مراحل بعدی می‌رود و این روند تا قله هرم ادامه دارد؛ اما اگر به دلایلی هر کدام از نیازهایش تأمین نشوند، تأثیرات مخربی بر رفتار و شخصیت او در زندگی خواهد گذاشت؛ چنانکه کیفیت و کمیت عمر و زندگی، به چگونگی برانگیختگی این نیازها بستگی خواهد داشت (رضایی، ۱۳۹۳: ۳۸). می‌توان سلسله مراتب نیازهای مزلو را چون نردبانی برای صعود پنداشت اما شرط اولیه دست یافتن به تحقق خود، ارضای چهار نیاز است که در سطوح پایین‌تر قرار دارند (شولتز، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

باید به این نکته اشاره کرد که نیاز نیست نیازهای انسان به صورت کامل برآورده شود تا انسان بتواند به دنبال ارضای نیازهای بعدی باشد. چنان که نیازهای نخست تا اندازه‌ای برآورده شوند، نیازهای بالاتر تا اندازه‌ای ظاهر می‌شوند. همچنین اگر نیازهای پایین بیشتر تأمین شوند، نیازهای بالاتر در مهار رفتار برجسته‌تر می‌شوند (همان: ۳۴۸) در مجموع فقط یک نیاز بر شخصیت ما غالب خواهد بود. اینکه این نیاز کدام است، بستگی دارد به اینکه کدامیک از نیازهای دیگر ارضا شده‌اند. برای مثال، کسانی که در مشاغل خود موفق هستند، دیگر توسط نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی‌شان برانگیخته نمی‌شوند (حتی ممکن است از آنها آگاه هم نباشند) این نیازها به اندازه کافی برآورده شده‌اند. آنها به احتمال زیاد برای یافتن احترام یا خودشکوفایی برانگیخته می‌شوند (رضایی، ۱۳۹۵: ۴۳).

معرفی مختصر نویسنده و رمان

محمد شکری نویسنده رمان در سال ۱۹۳۵ در یکی از روستاهای کشور مراکش به دنیا آمد و زندگی دشواری را در دوران کودکی گذراند. وی تا سن بیست سالگی که وارد مدرسه شد، خواندن و نوشتن نمی‌دانست (فریجات، ۲۰۰۰: ۱۲۷). شکری تا زمان مرگ خود در سال ۲۰۰۳ در

طنجه می‌زیست (گلی طارمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵). این رمان در اصل زندگی‌نامه خودنوشت محمد شکری است. یکی از ویژگی‌های این رمان که احتمالاً کم نظیر است این است که این رمان ابتدا در سال ۱۹۷۲ به زبان انگلیسی منتشر شد و بعد به زبان های فرانسوی ترجمه شد و در سال ۱۹۸۳ به زبان عربی انتشار یافت (فریجات، ۲۰۰۰: ۱۲۸). نویسنده در مقدمه رمان آورده است: هذه الصفحات سيرتي الذاتية، كتبها منذ عشر سنوات ونشرت ترجمتها بالإنجليزية والفرنسية والإسبانية قبل أن تعرف طريقها إلى القراء في شكلها الأصلي العربي (شکری، ۲۰۰۰: ۷). در حال حاضر چاپ و انتشار این رمان به دلیل پرداختن به برخی مسائل جنسی، در مغرب و بسیاری از کشورهای عربی ممنوع است.

راوی داستان در این رمان، همان شخصیت اصلی است که داستان را به شیوه خودگویی یا حدیث نفس روایت می‌کند. در خودگویی، شخصیت آنچه در ذهنش می‌گذرد یا احساس می‌کند با خودش مرور می‌کند و خواننده از نیات و مقاصد و آنچه بر او گذشته و می‌گذرد باخبر می‌شود و از این طریق شناخت و اطاعتی درباره او و دیگر شخصیت‌های داستان به دست می‌آورد و سیر داستانی را دنبال می‌کند (میرصادقی، ۱۳۹۱: ۳۱۶).

۲. تحلیل نیازهای شخصیت اصلی رمان "الخبز الحافي"

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هر اثر، در تمام زمینه‌ها، عنوان آن است. همان‌گونه که نام شخص سبب تفاوت او با دیگران می‌گردد، عنوان نیز به اثر تشخص می‌بخشد و آن را از دیگر آثار متمایز می‌سازند (بشیری، ۱۳۹۵: ۹۶).

عنوان رمان «الخبز الحافي» که می‌توان آن را معادل «نان خالی» ترجمه کرد، اشاره مستقیمی به مرحله اول هرم نیازهای مزلو یعنی نیازهای فیزیولوژیکی دارد. نیاز به غذا یکی از مهم‌ترین نیازهای فیزیولوژیکی انسان است که در مرحله اول هرم مزلو قرار دارد، در این عنوان «الخبز» اشاره به نیاز به غذا دارد و الحافی اشاره به نیاز به پوشاک دارد که این نیاز نیز در مرحله اول هرم مزلو قرار می‌گیرد.

۲-۱ نیازهای فیزیولوژیکی

بند اول رمان اشاره مستقیمی به مرحله اول و دوم هرم مازلو دارد. «أبكي موت خالي والأطفال من حولي. يبكي بعضهم معي. لم أعد أبكي فقط عندما يضربني أحد أو حين أفقد شيئاً. أرى الناس أيضاً يبكون.

الجماعة في الریف القحط والحرب. ذات مساء لم أستطع أن أكف عن البكاء. الجوع يؤلني أمص وامص أصابعي» (شکری، ۲۰۰۰: ۹). در این بخش گرسنگی شخصیت اصلی به اندازه‌ای است که موجب گریه او می‌شود. البته این گریستن مختص او نیست بلکه مردمی که در اطراف او زندگی می‌کنند نیز به همین خاطر گریه می‌کنند.

در ادامه همین بخش می‌آید: «أمي تقول لي بين لحظة وأخرى: أسكت سنهاجر إلى طنجة، الناس هناك يأكلون حتى يشبعوا» (همان: ۹). در این بخش مادرش برای اینکه او را ساکت کند و گریه او را قطع کند به او وعده می‌دهد که به شهر طنجه مهاجرت خواهند کرد و در آنجا آنقدر غذا خواهند خورد تا سیر شوند. همانطور که از این بند بر می‌آید خوردن غذا و سیر شدن که از نیازهای اولیه هر انسانی است برای این شخصیت به یک رؤیای دست‌نیافتنی تبدیل شده است که برای رسیدن به آن نیاز است از شهری به شهر دیگر مهاجرت کنند.

محمد شخصیت اصلی رمان به امید رهایی از گرسنگی وعده‌های مادرش را باور می‌کند اما وعده‌های مادرش محقق نمی‌شود و در ادامه می‌گوید: «في طنجة لم أر الخبز الكثير الذي وعدتني به أمي، الجوع أيضاً في هذه الجنة، لكنه لم يكن جوعاً قاتلاً» (همان: ۱۰). هر چند وضع آن‌ها در شهر طنجه که به آن مهاجرت می‌کنند بهتر می‌شود اما باز هم برطرف کردن این نیاز فیزیولوژیک، مهم‌ترین دغدغه آن‌هاست. محمد در دوره‌ای برای سیر کردن شکم خود به سطل‌های آشغال رو می‌آورد و باقیمانده غذاها را می‌خورد: «حين يثد علي الجوع أخرج إلى حي عين قطيوط أفتش في المزابل عن بقايا ما يؤكل» (شکری، ۲۰۰۰: ۱۰) وی در ادامه می‌گوید: «رأيت واحدا منهم يلتقط عظام الدجاج من المزيلة ويعصها قال الطفل: أصحاب هذه الدار يرمون دائما زبلا جيذا» (همان: ۱۹).

در بخشی از حوادث رمان، گرسنگی، محمد را به جایی می‌رساند که ماهی‌های مرده کنار ساحل را جمع می‌کند و می‌خورد؛ ماهی‌هایی که امکان خوردن آن وجود ندارد و بعد از این صحنه است که محمد گریه را از خودش بهتر می‌داند و می‌گوید: اللعنة على الخبز القط الذي رأيته في مرفأ مستودع الأسماك ربما هو أسعد مني إنه يستطيع أن يأكل السمك القذر دون أن يتقيأ» (همان: ۱۰۳). این مسأله نشان‌دهنده اهمیت نیاز به غذاست که در صورت عدم تأمین ممکن است انسان خود را از حیوان نیز کمتر بداند. چون حداقل حیوانات در برطرف کردن این نیاز مشکلات کمتری دارند.

به نظر می‌رسد تمام هم و غم شخصیت‌های رمان الخبز الحافی سیر کردن شکم است و بیشتر از آن به دنبال رفع سایر نیازها نیستند: هنا أيضا في وهران الحياة ليست سهلة، لكننا مادامنا نستطيع الحصول على الخبز والبصل فإن كرامتنا ستظل مصونة (همان: ٥٤).

نیاز به پوشاک و مسکن نیز در مرحله اول هرم نیازهای مزلو قرار می‌گیرند و اهمیت زیادی در شکل‌دهی شخصیت یک فرد دارند. محمد در تأمین پوشاک و مسکن نیز با مشکل مواجه است. در بخشی از رمان آمده است: عثرنا في حي عين خباز على مسكن جوار بستا، حجرة واحدة ومرحاض خارج الحجرة (شکری، ۲۰۰۰: ۲۹) این عبارت اشاره به کوچک و فقیرانه بودن مسکن دارد؛ زیرا تمام اعضای خانواده مجبور بوده‌اند در یک اتاق زندگی کنند. محمد در ادامه با پدر خود دچار اختلاف می‌شود و خانه را ترک می‌کند. وقتی محمد خانه را ترک می‌کند وضع از این هم بدتر می‌شود و او مجبور می‌شود در اصطبل بخوابد: أتسكع نهارا في الحي، في الليل أنام في الاصطبل (همان: ۳۶)

در ادامه اوضاع از این هم خرابتر می‌شود و برخی شب‌ها در مقبره می‌خوابد: المقبرة هي المكان الوحيد الذي يمكن للواحد أن يدخل من بابه في أي ساعة يشاء نهارا أو ليلا (همان: ۱۰۸)

او زمانی که بزرگ می‌شود و از راه دزدی یا کار، کمی پول به دست می‌آورد باز هم نمی‌تواند نیازهای اولیه خود را برطرف کند؛ زیرا مدارک هویتی ندارد و همواره تحت تعقیب پلیس قرار دارد. او حتی نمی‌تواند در ازای پرداخت پول از خدمات هتل‌ها و اماکن اقامتی استفاده کند و مجبور است به هتل‌های غیر رسمی یا به اصطلاح زیر زمینی برود که در این هتل‌ها انواع تخلفات و ناهنجاری‌ها وجود دارد. در بخشی از رمان می‌گوید: في الفنادق الأخرى طلبوا مني أوراق التعريف أنا لا أملك أية أوراق (همان: ۱۷۱)

نیازهای جنسی نیز در نظریه مزلو در مرحله اول یعنی فیزیولوژیکی قرار می‌گیرد. نیازهای جنسی شخصیت اصلی رمان خیلی زود ظهور می‌یابد و او را به انحراف می‌کشاند: رغبتی الجنسية تتهيج كل يوم (همان: ۳۳) محمد به شدت درگیر مسائل جنسی می‌شود و اعتقادی به عشق ندارد و به دنبال ازدواج و تشکیل خانواده هم نیست. چون در تأمین نیازهای اولیه ناکام بوده است. در بخشی از رمان در مورد یکی از زنانی که با او زندگی می‌کند می‌گوید: ما هو بيننا ليس هو الحب هذا أكيد العادة هي التي ألفتنا (همان: ۲۰۹) این شخصیت برای رفع نیازهای جنسی خود به انحراف کشیده می‌شود و اقدام به خرید مجلاتی می‌کند که در آن بازیگران زن به شکل ناپسندی را به تصویر کشیده‌اند: كنت أشتري هذا النوع من المجلات لكي اتفرج على صور الممثلات بلباس الرقص الشرقي (همان: ۲۱۵)

همانطور که مزلو در کتاب خود به نام «انگیزش و شخصیت» آورده است، نیازهای بعدی به شرطی نمایان می‌شود که نیازهای اساسی اولیه مانند نیازهای فیزیولوژیک برطرف شود (مزلو، ۱۳۷۳: ۱۰۲).

۲-۲ نیاز به امنیت

نیاز به امنیت از جمله نیازهایی است که در مرحله دوم هرم مزلو قرار می‌گیرد. محمد از کودکی از احساس امنیت محروم است. این عدم احساس امنیت به ویژه از ناحیه پدرش است که مادرش را کتک می‌زند و خود او را نیز گاهی بدون دلیل کتک می‌زند. در ابتدای رمان پدر محمد برای ساکت کردن برادرش که از گرسنگی گریه می‌کند او را به شدت کتک می‌زند و این کودک در پی شدت جراحات کشته می‌شود: تذکرت کیف لوی آبی عنق آخی... هو الذي قتله رأته يقتله... كنتُ خائفاً من أن يقتلني كما قتل آخي (شکری، ۲۰۰۰: ۱۴).

در ابتدای رمان محمد هم از گرسنگی رنج می‌برد و هم پدرش او را به شدت کتک می‌زند: دخل آبي وجدني أبكي على الخبز أخذ يرکني ويلکمني. رفعتني في الهواء، خبطني على الأرض رکلي حتى تعبت رجلاه وتبلل سروالي (همان: ۹-۱۰).

خشونت پدر در این رمان فقط خشونت جسمی نیست، بلکه در جای جای این رمان خشونت روانی پدر علیه بقیه اعضای خانواده از طریق تحقیر، دشنام و دیده می‌شود (داحس ناصر، ۲۰۱۷: ۴).

همانطور که قبلاً گفتیم در صورتی که نیازهای اولیه برآورده شود نیازهای بعدی ظاهر می‌شود، از آنجا که نیازهای فیزیولوژیک شخصیت اصلی رمان برآورده نشده است، موارد نیاز به امنیت نیز در این رمان زیاد نیست. مزلو اعتقاد دارد که اگر نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضا شوند، آنگاه مجموعه جدیدی از نیازها به نام نیازهای ایمنی ظاهر می‌شود (مزلو، ۱۳۷۳: ۷۴).

۲-۳ سایر نیازها

در این رمان فقط دو نیاز اول هرم مزلو یعنی نیازهای فیزیولوژیک و نیاز به امنیت مطرح می‌شود، چون همانطور که مزلو اشاره کرده است، نیازهای بعدی فقط زمانی ظهور می‌یابند که نیازهای قبلی تا حدی برطرف شده باشند؛ به همین دلیل نیازهای احساسی و عاطفی، نیاز به احترام و خودشکوفایی نه برای شخصیت اصلی و نه برای سایر شخصیت‌ها در این رمان مطرح نمی‌شود.

۲-۴ عدم برطرف شدن نیازها و تأثیر آن بر شکل‌گیری شخصیت اصلی رمان

انحراف اخلاقی شخصیت اصلی که ناشی از برطرف نشدن نیازهای اصلی است، تا جایی ادامه می‌یابد که دزدی را به نوعی توجیه می‌کند و آن را از گدایی کردن بهتر می‌داند. در بخشی از رمان نویسنده از زبان شخصیت اصلی می‌گوید: البستای کان علی حق: التسول مهنة الأطفال والشيوخ العجزة. عیب آن یتسول شاب قادر علی السرقة إذا لم يجد العمل (همان: ۱۰۳). در این بخش، شخصیت اصلی هر چند اولویت را به کار کردن می‌دهد اما گدائی کردن را کاری پست‌تر و بدتر از سرقت می‌داند.

نیاز به امنیت که در مرحله دوم هرم مزلو قرار می‌گیرد از مهم‌ترین نیازهای انسانی به شمار می‌رود. همانطور که قبلاً اشاره شد، شخصیت اصلی رمان از فقدان امنیت به ویژه از ناحیه پدرش رنج می‌برد. همین مسأله در دیدگاه‌های او نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال پدر محمد آنقدر مادرش را کتک می‌زند که محمد آرزو می‌کند که بزرگ شود و ازدواج کند تا بتواند همسرش را کتک بزند: أصفق بيدي فتأتي فتاة رائعة لم تمسها بعد يد إنسان ترقص لي عارية (همان: ۶۵)

۳. نتیجه

زندگی محمد، شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی پر از انواع محدودیت‌های ناشی از فقر است. وی در تأمین نیازهای اساسی و اولیه خود، مانند: خوراک، پوشاک و مسکن با مشکل مواجه است و همین مسأله تأثیر زیادی بر اخلاق و رفتار او می‌گذارد و او را سمت انحرافات اخلاقی و دزدی سوق می‌دهد. همچنین عدم تأمین نیازهای جنسی نیز باعث می‌شود که شخصیت اصلی این رمان در این زمینه نیز به انحراف کشیده شود تا جایی که هیچ اعتقادی به عشق، تشکیل خانواده و احترام به زن ندارد و فقط به دنبال رفع نیازهای جنسی خود است. البته این شرایط مختص شخصیت اصلی نیست بلکه بیشتر شخصیت‌های این رمان به دلیل زندگی کردن در شرایط مشابه در یک سطح هستند و از این مشکلات رنج می‌برند.

مرحله دوم هرم نیازهای مزلو امنیت است. شخصیت اصلی رمان در تأمین امنیت نیز ناکام می‌ماند. هر چند با توجه به اینکه نیازهای اولیه او تأمین نشده چندان اهمیتی به این نیاز نمی‌دهد و حتی گاهی خود را وارد مشکلاتی می‌کند که ممکن است جان او را به خطر

بیندازد. محمد و مادر و برادرش در دوران کودکی در خانواده امنیت ندارند و دائماً در معرض خشونت پدرش قرار می‌گیرند تا جایی که برادرش تحت شکنجه پدرش می‌میرد و مادرش نیز دائماً با خشونت مواجه است.

در هرم نیازهای مزلو، در صورتی که نیازهای مرحله اول یعنی فیزیولوژیک برآورده شود انسان به دنبال تأمین نیازهای بعدی می‌رود و تا زمانی که نیازهای هر مرحله به حد کفایت تأمین نشود نمی‌توان انتظار داشت که فرد سراغ مراحل بعدی برود. بنابراین شخصیت اصلی در رمان الخبز الحافی هیچ‌گاه به مراحل بالاتر هرم مانند نیاز به عشق، نیاز به احترام و به ویژه مرحله خودشکوفایی نمی‌رسد، چون تأمین نیازهای او از مرحله اول و تا حدودی مرحله دوم فراتر نمی‌رود.

اگر نیازهای انسان به ویژه نیازهایی که در ابتدای هرم مزلو قرار می‌گیرند تأمین نشود، پیامدهای بسیار بد و چه بسا خطرناکی برای او خواهد داشت. شخصیت اصلی رمان الخبز الحافی نیز در پی همین مسائل دچار انحرافات اخلاقی زیادی می‌شود و از انجام کارهای خلاف هیچ‌گونه ابایی ندارد. عدم موفقیت در تأمین نیازهای جنسی از دیگر نیازهای اولیه است که شخصیت اصلی رمان در تأمین آن با مشکل مواجه می‌شود و تأثیرات منفی زیادی روی اعمال و رفتار این شخصیت دارد.

محمد با وجود اینکه سواد ندارد در کودکی هیچ احساس نیازی به مدرسه رفتن نمی‌کند؛ زیرا مهم‌ترین دغدغه خود و خانواده‌اش سیر کردن شکم است. محمد تنها زمانی نسبت به سوادآموزی احساس نیاز می‌کند که بزرگ می‌شود و می‌تواند با کار کردن یا دزدی نیازهای اولیه خود را تأمین کند. آنجاست که با دیدن انسان‌های باسواد این نیاز در او بیدار می‌شود و با کمک یکی از دوستان خود با تأخیر زیاد و در ۲۰ سالگی شروع به سوادآموزی می‌کند.

مرحله خودشکوفایی که آخرین مرحله هرم مزلو است برای انسان‌های موفق و مثبت اتفاق می‌افتد و از آنجایی که شخصیت اصلی این داستان را نمی‌توان نمونه یک انسان موفق دانست، هیچ کدام از ویژگی‌های انسان خودشکوفای در این شخصیت نیز وجود ندارد. مزلو معتقد است که تعداد اندکی از افراد جامعه به خودشکوفایی دست می‌یابند. با بررسی شخصیت اصلی در این رمان این گزاره اثبات می‌شود.

بر اساس نظریه مزلو یکی از نیازهای پنجگانه در شخصیت هر فرد پر رنگ‌تر است و شخصیت او را تشکیل می‌دهد. در مورد شخصیت محمد در رمان الخبز الحافی باید گفت که نیازهای فیزیولوژیک کاملاً بر این شخص غلبه دارد و شخصیت او را تشکیل می‌دهد و بسیاری از اعمال و رفتار این شخصیت در رمان پیرامون این نیاز شکل گرفته است.

منابع

کتاب‌ها

- شکری، محمد (۲۰۰۰) **الخبز الحافی**، چاپ ششم، دار الساقی، بیروت
- شولتس، دوان پی و سیدنی آلن شولتس (۱۳۸۷) **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه یحیی سیدمحمدی، انتشارات ویرایش، تهران
- فریجات، عادل (۲۰۰۰) **مرايا الروایة دراسات تطبیقیة فی الفن الروائی**، منشورات اتحاد الکتاب العرب،
- مزلو، آبراهام (۱۳۶۷) **انگیزش و شخصیت**، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی
- مزلو آبراهام (۱۳۷۳) **انگیزش و شخصیت**، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی
- مزلو آبراهام (۱۳۷۱) **به سوی روان‌شناسی بودن**، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۱) **زاویه دید در داستان**، تهران، سخن

پایان نامه‌ها

- برکات، فاطمه (۱۳۹۱) «**تحلیل روانشناسانه شخصیت های اصلی در داستان‌های کوتاه صادق هدایت بر مبنای نظریه مزلو**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولیعصر رفسنجان
- رضایی، سمیه (۱۳۹۵) «**بررسی دیگروگونی شخصیت های داستانی، در داستان کوتاه فارسی بر اساس نظریه مزلو**»، پایان نامه دکتری، دانشگاه هرمزگان

مجلات

- بشیری، محمود، سمیه آقاجانی کلخوران (۱۳۹۵) «**بررسی تطبیقی عنوان در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های ام سعد و دا**»، **مجله متن پژوهشی ادبی**، سال ۲۰ شماره ۶۸ از ص ۹۳ تا ص ۱۱۵
- داحس ناصر، سعد (۲۰۱۷) **العنف بین المؤسسة والذات فی الروایة الهربیة - الخبز الحافی لمحمد شکری أمودجا، مجلة لارک للفلسفة واللسانیات والعلوم الاجتماعية، العدد السادس والعشرون، از ص ۱ تا ص ۱۶**
- رضایی، سمیه (۱۳۹۳) «**تحلیل شخصیت اصلی در داستان درد دل ملاقربانعلی از مجموعه یکی بود یکی نبود جمال زاده بر اساس نظریه مزلو**»، **فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی**، سال دوم از ص ۳۱ تا ۵۱
- ستاری، رضا، حجت صفار حیدری و منیره محرابی کالی (۱۳۹۴) «**شخصیت رستم بر اساس داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه و نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو**»، **متن پژوهی ادبی**، سال ۱۹ شماره ۶۴ صص ۸۳-۱۱۰
- گلی طارمی، ژیلا و یوسف هادی پور نهزمی و سید ابراهیم آرمن (۱۳۹۹) **المقارنۃ بین المضمون والبنیۃ فی الروایتین الخبز الحافی وهمسایه‌ها، دراسات الأدب المعاصر** شماره ۴۵ صص ۴۱-۷۰

Reference

- Shokri, Mohammad (۲۰۰۰) Al-Khabz Al-Hafi, sixth edition, Dar Al-Saqi, Beirut
- Schultz, Duane P. and Sydney Alan Schultz (۲۰۰۸) Personality Theories, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Viraish Publications, Tehran
- Farijat, Adel (۲۰۰۰) the Mirror of Narratives Comparative Studies in Narrative Art, Publications of the Union of the Arab Book,
- Maslow, Abraham (۱۹۸۸) Motivation and personality Translated by Ahmad Rezvani Mashhad Astan Quds
- Mirsadeghi, Jamal (۲۰۱۲) Perspective on the story, Tehran, Sokhan
- Barakat, Fatemeh (۲۰۱۲) "Psychological analysis of the main characters in Sadegh Hedayat's short stories based on Maslow's theory", Master Thesis, Valiasr University, Rafsanjan
- Dahis Naser, Saad (2017) Violence between the institution and the self in the escape novel - The Barefoot Bread by Muhammad Shukri as an example, Lark Journal of Philosophy, Linguistics and Social Sciences, Issue 26, pp.1-16
- Rezaei, Somayeh (۲۰۱۴) "Analysis of the main character in the story of Mollaqrban Ali's heartache in the series One Was One was not Jamalzadeh based on Maslow's theory", Quarterly Journal of Fiction Studies, Second Year, pp. 31-51
- Rezaei, Somayeh (۲۰۱۶) "Study of the Transformation of Fictional Characters in Persian Short Stories Based on Maslow's Theory", PhD Thesis, Hormozgan University
- Bashiri, Mahmoud, Somayeh Aghajani Kalkhoran (۲۰۱۶) "Comparative study of the title in the novels of sustainability literature based on the novels of Um Saad and Da", Journal of Literary Research Text, Volume ۲۰, Number ۶۸, pp. ۹۳-۱۱۵
- Sattari, Reza, Hojjat Saffar Heidari and Monira Mehrabi Kali (۲۰۱۵) "Rostam's character based on the story of Rostam and Esfandiar in Shahnameh and Abraham Maslow's theory of self-actualization", Literary Textual Studies ۱۹, No. ۶۴, pp. ۸۳-۱۱۰
- Goli Taremi, Jila and Yousef Hadipoor Nahzemi and Seyyed Ibrahim Armen (۱۳۹۹) Comparison between themes and architecture in the narration of Al-Hafiz Al-Hafi and its neighbors, Studies in Contemporary Literature No. ۴۵pp. ۷۰-۴۱

دراسة الشخصية الرئيسة في رواية الخبز الحافي وفق نظرية تسلسل حاجات

الإنسان لأبراهام ماسلو

نوع المقالة: أصيلة

حبيب كشاورز*

أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة سمنان، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، سمنان، إيران

الملخص

القصص والروايات تظهر ظروف الإنسان المعيشية الخاصة به، ولهذا يمكن دراسة الشخصيات في القصص وفق النظريات الموجودة في علم النفس. نظرية آبراهام ماسلو المعروفة باسم التسلسل الهرمي للاحتياجات من أشهر النظريات في هذا المجال. وفي هذه النظرية تم تقسيم حاجات الإنسان إلى خمسة فروع وهي الحاجات الجسمية والحاجة إلى الأمان والحاجات العاطفية والحاجة إلى الاحترام وتحقيق الذات. وفق نظرية ماسلو، يجب تلبية الحاجات الأولية بداية ثم الحاجات الموجودة في رأس الهرم. أي على الإنسان تلبية الحاجات الجسمية أولاً ليصل إلى الأمان والاحترام والحب وأخيراً مرحلة تحقيق الذات. والوصول إلى أي مرحلة بحاجة إلى توفير المرحلة السابقة. وفي هذه المقالة استخدمنا المنهج الوصفي التحليلي بدراسة الشخصية الرئيسة في رواية الخبز الحافي من أعمال محمد شكري وفق التسلسل الهرمي للاحتياجات لماسلو. وفي هذه القصة تظهر بداية الحاجات الجسمية منها الغذاء والملبس والسكن والحاجة إلى الأمان. وبما أن الحاجات الأولية للشخصية الأصلية لم توفر لانوجد أثر للحاجات المقدمة مثل الحاجة إلى الاحترام أو تحقيق الذات.

الكلمات الرئيسة: ماسلو، التسلسل الهرمي للاحتياجات، رواية الخبز الحافي، الشخصية الرئيسة، محمد شكري.

Analysis of the main character of “For Bread Alone” novel based on Maslow's hierarchy of needs

Article Type: Research

Habib Keshavarz*

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran

Abstract

Stories represent the specific circumstances of human life; therefore, fictional characters can be analyzed based on psychological theories. Abraham Maslow's theory of the hierarchy of needs is one of the most famous anthropological theories. In this theory, human needs are divided into five categories: physiological needs, security needs, emotional needs, the need for respect, and the need for self-fulfillment. According to Maslow's theory, the needs of the pyramid base must first be met in order for the needs of the top of the pyramid to emerge; That is, man must first meet physiological needs to reach the needs of safety, respect, and love, the stage of self-actualization. Achieving each stage is conditional on meeting the needs of the previous stage. In this article, using the analytical-descriptive method, we seek to examine the main character of the novel *Al-Khabz Al-Hafi* by Mohammad Shokri based on the Maslow needs pyramid. In this story, first, overcoming physiological needs such as food, clothing and housing, and the need for security is also part of the needs of the main character of the story. The basic needs of this character are not met in the story to the extent that there is no trace of the need for respect or self-fulfillment that lies in the later stages of the pyramid.

Keywords: Maslow, Pyramid of Needs, “For Bread Alone” novel, main character, Mohammad Shokri.

* Corresponding Author

hkeshavarz@semnan.ac.ir

